



پرویز میشود
ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران

سویسمیاست مامورین انتظامی در بندر پهلوی کار را بجائی رسانده است که (توده ایها) نمایندگان ملت را مورد توهین قرار میدهند.

توده ایها که میخواهند در زیر فشار ملتضخ (چپه واحد استمرار) ملت را در برده هواناکی که در پشت پرده آهنگین تهیه دیده اند بکشاند و سران نهضت ملی ما را بجز مبارزه با استعمار نوین شوروی مجازات نمایند مدتها است از این سیاست ایبرال منشا مامورین انتظامی سواستفاده میکنند.

روز ۱۷ مرداد که آقای مهندس حبیبی در بلا بندر پهلوی مشغول آب تنی بودند از طرف عده ای از اهل کینفرم مورد توهین قرار گرفتند.



محمد قهرمانی کارگری که انگشت دستش را ماشین قطع کرده است

دیروز از طرف تشکلات کارگری حزب ماو کارگران کارگاه درود کری شاهین از محمد قهرمانی کارگر مضروب عیادت کردند. تشکلات کارگری حزب ماو طی نطق کوتاهی کارگران را با تعداد و مبارزه بی گری برای رهایی از چنگال ظلم کارفرمایان دعوت کرده رفق حری ما گفتند آنها که زحمتکشان متحد میشوند پیروزی حتمی است. کارگران سوگند یاد کرده اند که تا پیروزی نهایی دست از مبارزه نکشند.

تلگراف ارساری

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر رو نوشت جناب آقای صدیقی وزیر کشور رو نوشت نیروی سوم روز دوشنبه ۱۹ مرداد دست از طبقات مختلف مردم برای دادن رای با انحلال مجلس مسجد جامع روان بودند ولسی گروه موسوم به بین پرستان سرپرستی قوای انتظامی بظواهرات ضد نظم و آرامش پرداخته قوای انتظامی با شلیک گلوله و استعمال گاز اشک آور مردم را متفرق کرده خوشبختانه با حسن تدبیر و رعایت جناب آقای نامنی استاندار و جناب آقای نجاتی در دوسی فرماندار اوضاع بحال عادی بازگشته و نظم برقرار شد هیئت اجرایی سازمان نیروی سوم ساری موشک و زبری بزرگ عطیسی مجید باقری

در آستانه انتخابات دوره هجدهم باید دولت با قدرت بیشتری روی اعمال مجریان خود نظارت نماید - فقط فساد در میان مجریان دستگامهای استعماری و متنفذین و سرمایه داران محلی وجود دارد باید با اقدام عملی علیه متنفذین محلی و فئودالها امکان تاثیر آنها در انتخابات کم ساخت نهضت ملی ما موقمی کما هو حققه پیروز میشود که بتواند از حد اکثر نیروهای ملی پشتیبان خود استفاده کند ، و این مسئله بطور کامل تحقق نخواهد یافت مگر این که به نیروی زنان باید به زنان ایران نیز حق رای داده شود

جان رفقای ما جایگاه چاقوی ایادی بیگانه و سپهر ضربات قنذاقی قنذاق سر بازان و پاس بانان نیست که بدستور مامورین وظیفه ناشناس و ضد ملی بجان مردم مبارز افتاده اند

بساط جانیفشان و فداکاری دوستان مادر راه پیروزی آمال ملی در همه جا جان آنها مورد تهدید چاقوی چاقو کشان توده ای و سر بیزه نظامیان هدف تیر و پامورد شتم پلیس قرار میگردد.

تحولات اوضاع شهرستانها نسبت به حاکمیان نهضت و بخصوص رفقای ما چنان تغییر پیدا کرده است که دیگر قابل تحمل نیست

دنباله مقاله
نیروی سوم یک ضرورت تاریخی
بواسطه ضیق وقت آقای خلیل ملکی تا یک هفته به تاخیر میافتد.

با صدور فرمان انحلال مجلس از طرف ملت مسئله ای که مورد توجه معانل سیاسی قرار گرفته است موضوع انتخابات دوره هجدهم میباشد، نخست وزیر و اعضاء فراکسیون نهضت ملی نیز تمایل خود را باین مسئله نشان داده اند.

با پیروزی نهضت ملی و شروع زمامداری دکتر مصدق کرچه امکان اعمال سیاست شرکت سابق از طریق نخست وزیر از بین رفت ولسی هنوز دستگامهای دولتی و دستگامهای حاکم در شهرستانها با برجا بودن شرکت سابق میتوانست متکیا از این مجاری سیاست خود را روان سازد علاوه این دستگامها خود نیز تمایل شدیدی بیکاری با «خالق» اصلی خود نشان میدادند.

دو ساعت بعد از ظهر دیروز آقای دکتر مصدق نخست وزیر نطق بسیار مهمی خطاب به ملت ایران از رادیو ایر ان نمودند

طبق اعلامیه های وزارت کشور که بعد از ظهر دیروز صادر شد دو میلیون و چهل و چهار هزار و پانصد و نود و شش رای در رفتار اندام اخذ شده که از این مقدار دو میلیون و چهل و سه هزار و سیصد و هشتاد و نه رای موافق با انحلال مجلس بوده است. ظرفی امروزی فردا انحلال مجلس اعلام میگردد ممکن است روز سه شنبه ناه ای از طرف فراکسیون نهضت ملی با آقای دکتر مصدق نوشته شود. جلسه محصرمانه اقلیت عصر پنجشنبه در منزل «پیر سیاست» تشکیل گردید. بر اثر زلزله شدید در جنوب یونان جزیره «کیپا نولیا» بکلی از بین رفته است. تشکیل کمیته ادامه نهضت ملی و رچه ابهای مقیم مرکز

قابل توجه جناب آقای نخست وزیر و ستاد ارتش در دذوقول که برای دشمنان نهضت پایکامی ایجاد شده بود در اثر اقدامات حزب ما توانستیم کلیه نیروهای دشمن را بست خود جلب کرده و بفتح نهضت بکار بریم و نتوانه آن جریان جریان رفتار اندام و دولی متاسفانه خواین آنها مخصوصا آقای قطب معروف که جمعیت را طبق منافع خود نیباید و در ارتز و دودند با ادارات مرکز تمامی قدرتهای اداری و مالی در اختیار بقیه در صحنه ۴

متن نطق آقای دکتر مصدق نخست وزیر
هو سلطان هر بزم . بنیاسیت خانه کار رفتار اندام و علاقه مندی توام با نمانت و استقامتی که در ادای این وظیفه ملی از خود نشان داده اید سپاسگزارای قایی خود را بشاهمو سلطان هر بزم تقدیم میدارم . این پیش آمد یکبار دیگر ثابت کرد که ملت ایران هرگز از هدف اصلی خود روی گردان نیست و بهر قیبتیکه باغد و با هر مشکلی که پیش بیاید از لیب راه مبارزه بر نخواهند گشت ، کسانیکه تصور میکردند با سیاست گیری و فشار میتوان در مقابل اراده ملت ایران ایستادگی کرده و این لشرا از ادامه طر بی که برای نجان خود در پیش گرفته است باز داشت با این رفتار اندام و نتیجه ای که از آن بدست آمده با شتاب خودی بردند.

از اصفهان
آقای نخست وزیر رو نوشت نیروی سوم تهران وسیله چاقو کشان توده تر کاشوند فیروز فرور و خباز لیک نفس صلاحی افراد حزب جروح بستری چاقو کشی ادامه دارد امنیت شهر را معتدل کیسیون امنیت تشکیل کلوب مصدق اصفهان دادگر

سر انجام تحصن حق طلبانه کارگران مسلول در وزارت کار با قوم شکنجه ، زندان شد

میهوضا - کارگران بیگار شده شرکت ملی نفت را بکار خود برگردانید - به تقاضای کارگران معدن شاه کوه ترتیب اثر دهید - در آسایشگاه دکتر یزدی بر علیه پرستاران توطئه میکنند - بنود سری مالک قر به هر ستانه الیچود در ز خانه دهید

سر انجام تحصن مسلولین در وزارت کار با قوم شکنجه ، زندان شد

پس از سه روز تحصن کارگران مسلول شرکت سابق و مغایره تلگراف به نخست وزیر بدستور بانه نفتی وزارت کار بلاور با قوم و شکنجه تحصن حق طلبانه کارگران شکسته و آنان را بزور به بیمارستان ها و دولفر آنها را نیز بر ندان

استعفا از حزب توده
روزنامه نیروی سوم ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران اینجانب معدن آقا جانلو دارنده هشتاد و شش هزار ۳۱۵ پرا از آنکه ۶ سال از عمر گرانمای خود را در حزب خان توده بهر دادام ، فبیده ام که این حزب جز مردوری بیگانه کاری ندارد لذا از این استعفا و تقاضای عضویت در حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) را زنده باد دکتر مصدق مظهر اراده ملت نیروی سوم پیروز میشود .

در زیر آسمان کبود هنر ضد استعمار

زائران دینسیون بیابان رسیده بود و آن شب میبایستی نمایش روی صحنه بیاید ، اما اوضاع و احوال پشت صحنه نشان میداد که هنر پیشگان تاتر ، امشب سردماغ بستند و اقما هینظاورد هم بود . بین بازیکنان بگو مگوهای در گرفته و کار بدخالت رژیسور کشیده بود ، اما هنر پیشگان که واقعا انقلاب کرده بودند ، حساب او را هم مثل دیگران رسیدند.

دومورد نمایشنامه ای هم که امشب میبایستی بروی صحنه بیاید هنر پیشگان همین نظرا داشتند ، اسازر پیروز که کارش را بلد بود میگفت صحنه های این نمایشنامه متعلق به در هزار سال قبل است ولسی توان در آن لسانی بکار بکار برد ، با صحنه های موجود آورد که عظمت صلح ودموگراسی دیگران را میبوسم کند.

مبارزین شهر ستانهار از خطر توطئه های ایادی استعمار نجات دهید

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

اخبار

بیه ازمنه ۱

تغییر کرد البته مجلسی که نتواند وظائف خود را انجام دهد و بجای نیروی از

یگانگان هر چه میخوانند بگویند ولی در نظر کسانی که از نزدیک شاهدند شاید

مدعی از این یگانگان میگویند تا هر قدری که ملت ایران در راه وصول و حصول

مجلس مردمی در راه پیشرفت آمل او باشد نماینده ملت نیست و باید با راه عمومی

منحل گردد تا راه برای مجلسی که بتواند با آمل ملی هم آهنگی و همکاری کند

بلا شود... یگانگان هر چه میخوانند بگویند ولی در نظر کسانی که از نزدیک شاهدند شاید

بودند و خورش و جنبش مشفقانه ها هوطنان عزیز را در این ویرانه بپوشید دیدند

کشته‌های اجاب جرمی باطلی در مبارزه با ازاده ملت ایران بجزیری تبسیر

نقروند شد... مدعی از این یگانگان میگویند تا هر قدری که ملت ایران در راه وصول و حصول

مجلس مردمی در راه پیشرفت آمل او باشد نماینده ملت نیست و باید با راه عمومی

منحل گردد تا راه برای مجلسی که بتواند با آمل ملی هم آهنگی و همکاری کند

بلا شود... یگانگان هر چه میخوانند بگویند ولی در نظر کسانی که از نزدیک شاهدند شاید

بودند و خورش و جنبش مشفقانه ها هوطنان عزیز را در این ویرانه بپوشید دیدند

کشته‌های اجاب جرمی باطلی در مبارزه با ازاده ملت ایران بجزیری تبسیر

نقروند شد... مدعی از این یگانگان میگویند تا هر قدری که ملت ایران در راه وصول و حصول

مجلس مردمی در راه پیشرفت آمل او باشد نماینده ملت نیست و باید با راه عمومی

منحل گردد تا راه برای مجلسی که بتواند با آمل ملی هم آهنگی و همکاری کند

بلا شود... یگانگان هر چه میخوانند بگویند ولی در نظر کسانی که از نزدیک شاهدند شاید

بودند و خورش و جنبش مشفقانه ها هوطنان عزیز را در این ویرانه بپوشید دیدند

سرانجام سخن

بقیه ازمنه ۱

کارفرما مجبور بآمران تقاضای کارگران در کارخانه میگردد و در برابر اداره کار

تهران تمدن مینماید که قانون کار را اجراء نموده و مطابق قانون حقوق کارگران را

بپردازد بطوریکه از طرف کارگران جز میرسد کارفرما تنها قانون کار را اجراء

ننموده بلکه روزانه چند ساعت بیش از سابق از کارگران کار میکند و بانهید

میخواهد از آنها شایسته بگیرد و برای این منظور خود کارگری خود دیروز کارگر

زنی را بضمیمه کتک زده است اداره کار تهران باید بخود سری این کارفرما قانون

شکن خانه دهد... به تقاضای کارگران معدن شاه کوه ترتیب اثر دهید

نامهای از طرف کارگران معدن شاه کوه باستنادی و روزنامه رسیده

که ایشان از اینکه ماسک از چهار طرف مطرفند از دور و غین طیفه کارگر برمدار کتکها را از

رنج و معرومیت زحمتکاران معدن میکند مابهت اقدام و اجرای خواست آنان مینا

آزاد درج کرده و تقاضای رسیدگی عاجل را دارم... کارگران بیکار شده شرکت نفت ملی دامغان را بیکار خود

برگردانید در حدود ۴۰۰ نفر کارگر شرکت نفت ملی دامغان را به علت اینکه در نزد

کارگران بیکار شده شرکت نفت ملی دامغان را به علت اینکه در نزد کارگران بیکار شده شرکت

نفت ملی دامغان را به علت اینکه در نزد کارگران بیکار شده شرکت نفت ملی دامغان را به

علت اینکه در نزد کارگران بیکار شده شرکت نفت ملی دامغان را به علت اینکه در نزد کارگران

بیکار شده شرکت نفت ملی دامغان را به علت اینکه در نزد کارگران بیکار شده شرکت نفت ملی

دامغان را به علت اینکه در نزد کارگران بیکار شده شرکت نفت ملی دامغان را به علت اینکه در

نزد کارگران بیکار شده شرکت نفت ملی دامغان را به علت اینکه در نزد کارگران بیکار شده

در زیر آسمان کبود

بقیه ازمنه ۱

کوره دررفت و با توپ زده که غنچه جاسوس امپریالیسم، مزدور

سلطان سینه ای صاف کرد و برای آنکه اقتضای بیشتری رخ ندهد از

تمظیم و تکریم ایلیی سرفتنظر کرد و گفت: «ایلیی، نظاره از دوست و برادر

و همسایه ماسلطان... برای ما دشمنان و نامه ای داری؛ چلو بیا و بنده ایلیی

بلا ساجات و سر سختی نشان داد و بلا آخره نامه را از پر شال

در آورد، بدست حاجب دربار داد و گفت: «مزدور! این در پیش ارباب

بیرونه! تا شایان هنوز از نایشنامه چیزی سرد نسی آوردند»

سلطان که خود را باخته بود، حاجب دربار گفت که نامه را بعد از

پلند بخواند. حاجب هم نامه را بعد از پلند اینطور قرائت کرد:

«از طرف سلطان فلان به سلطان فلان احوال گوارا!

انتخاب دارم که سلامهای آتشین خود و رویای خود را... تا سخن حاجب دربار باینجا رسید ایلیی

ناگهان شمار داد که: «خلق های ما نخواهد گذاشت با این مجامله کربیا

منافع تودها، اینگونه مورد معامله دو سلطان شود!»

سلطان غضب آلود نگاهی بوی کرد و گفت:

«ایلیی ساکت شو! ایلیی اجبارا ساکت شد و حاجب دربار ادامه داد:

«اجاب خود، تصف و هدیه ای نا قابلی را به حضور مبارک تقدیم

داشتم... ایلیی بلا نزوات جلوی زبان خود را بگیرد و ببین کلام حاجب دربار

دوید و گفت: «سلطان غلط کرده است! این تصف و هدیه؛ مال توده های خلق است

پرده بالا رفت، بازی شروع شد سینه بازگاه یکی از سلاطین قدیم،

زمان مثلا دستم و فراسیاب بود قرار بود که فرستاده ایلیی به کشور همسایه

پارای بدطبق آنچه که در نایشنامه نوشته شده بود، ایلیی میبایستی بیاید و

تعظیم کتان بنگاه بیند و نامه ای را از طرف پادشاه خود بآنها تقدیم کند

و باذاتی چرب و نرم مراتب ارباب خود دو پادشاه بیخبرش را بر سر رساند

و سلطان هم با او بهر بیانی رفتار کرده، و وی را غلنت دهد.

کسی که نقش سلطان را بپذیرد، داشت خند استماری نبود و از صلح

و دموکراسی خبری نداشت، اما یک هنر پیشه وزید، رقابت بود. اما کسی که نقش ایلیی را بپذیرد، داشت

استماری های دو آتش بود. در اینوقت تماشاچیان شنیدند

که حاجب بازگاو، سلطان خیرداد که ایلیی از کشورهای آبرده است و

سلطان با این خبر هرچه زیادت سر فرمان داد که ایلیی وارد شود!

ایلیی وارد شد، ولی بجای آنکه تعظیم کند، از آنجا که آزاد بود و

ابتکار را در دست داشت، به یک پارچه گذاشت و یک پا را راست، با صدای

پلند در حالیکه دستش را بکنز زده بود ندا در داد که: «دود بصلح کبیرا

سلطان که برای اولین بار با کلابو حرکتی خارج از برنامه و بیرو شده

بود، هاج و واج مانده، ولی دانست چه جواب گوید. دست بپسین های

خود کشید و گفت: «بیا، ایلیی بینم چه خبر داری صلح چیست؟ مگر جنگی افتناق تاده

است! ایلیی همانطور با وضع بی ادبانه ای ایستاده بود، و نیخواست بیک سلطان

تعظیم کند، زیرا صبح آنروز، باهم مسلکانش دردم و نترس از سیون خلق شرکت

کرده و شمارهای خد سلطنت داده بود چند تن از درباریان سلطان که دیدند وضع

در این میان بلا تکلیف مانده بودند زیرا که روزنامه های

خند استماری زامی خوانند که از این لغات و جهات چیزی بلد باشند، و از

طرف دیگر زلهای خود را مطابق آنچه که کادر نایشنامه نوشته شده

بود ترمین کرده بودند. این موضوع نمیتوانست در مبارزه هنرمدان خند استماری

وقه ای ایجاد کند. رهبر خند استماری هاسا برین را تهدید کرده اگر بخوانند

در نایش شرکت نکنند، خو نشان بگردن خودشان خواهد بود

بالاخره بس از مشاجرات لفظی و چاقو کشی، بر طبق اصول دیالکتیک

هنر پیشه های غیر مسلحی حاضر شدند روی صحنه بروند.

هنر پیشه ای که ست زهری را داشت فرمان شروع نایش را با شعار:

رققا به پیش بسوی صلح و دموکراسی و هنر مرفقی، شروع کرد.

برده بالا رفت، بازی شروع شد سینه بازگاه یکی از سلاطین قدیم،

زمان مثلا دستم و فراسیاب بود قرار بود که فرستاده ایلیی به کشور همسایه

پارای بدطبق آنچه که در نایشنامه نوشته شده بود، ایلیی میبایستی بیاید و

تعظیم کتان بنگاه بیند و نامه ای را از طرف پادشاه خود بآنها تقدیم کند

و باذاتی چرب و نرم مراتب ارباب خود دو پادشاه بیخبرش را بر سر رساند

و سلطان هم با او بهر بیانی رفتار کرده، و وی را غلنت دهد.

کسی که نقش سلطان را بپذیرد، داشت خند استماری نبود و از صلح و دموکراسی

خبری نداشت، اما یک هنر پیشه وزید، رقابت بود. اما کسی که نقش ایلیی را بپذیرد،

داشت استماری های دو آتش بود. در اینوقت تماشاچیان شنیدند که حاجب بازگاو،

سلطان خیرداد که ایلیی از کشورهای آبرده است و سلطان با این خبر هرچه زیادت

